

مناسبات گزاره‌های «اجبار» و «مسئولیت مشترک» از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی

سعید مختاری (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

Hofarigon@gmail.com

محمد ستایش‌پور

دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

mohamadsetayeshpur@yahoo.com

قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

در عرصه حقوق مسئولیت بین‌المللی، تعامل میان «اجبار» و «مسئولیت مشترک» به دلیل ظهور الگوهای نوین قدرت و آسیب‌های چندعاملی، از پیچیدگی فزاینده‌ای برخوردار شده است. این مقاله با هدف واکاوی بنیان‌های مفهومی این دو نهاد و چگونگی تأثیرگذاری اجبار بر ساختار مسئولیت مشترک در چارچوب مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل و اصول راهنمای مسئولیت مشترک (۲۰۲۰) نگاشته شده است. هدف اصلی، ارائه چارچوبی نظری برای انتساب عادلانه‌تر مسئولیت در سناریوهایی است که بازیگران بین‌المللی تحت تأثیر فشارهای نامتقارن قرار می‌گیرند. سوال محوری این است که اجبار چگونه و با چه مکانیسمی، سازه مسئولیت مشترک را در رویه قضایی معاصر متحول ساخته و چه اصلاحات دکترینالی برای پر کردن خلأهای پاسخگویی در حوزه‌هایی مانند مهاجرت، محیط زیست و عملیات سایبری ضروری است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود اینکه محاکم بین‌المللی اغلب از معیارهای جایگزینی مانند «کنترل مؤثر» برای عملیاتی کردن مفهوم اجبار استفاده می‌کنند، ادغام صریح آن در اصول راهنما، به ایجاد چارچوبی عادلانه‌تر منجر می‌شود. تحلیل پرونده‌هایی چون هیرسی جماع، چاگوس و گرجستان علیه روسیه نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر کنترل عملیاتی بدون توجه به زنجیره علی اجبار، به انتساب ناقص مسئولیت و جبران خسارتی نابرابر می‌انجامد. در نتیجه، این مقاله با ارائه چارچوب نوین «علیت معطوف به اجبار» در سه سطح مستقیم، هنجاری و ترکیبی، پیشنهاد می‌کند که وزن اجبار در توزیع مسئولیت مشترک درجه‌بندی شود. این رویکرد نه تنها پاسخگویی دولت‌های زورگو را افزایش می‌دهد، بلکه از تبدیل اجبار به سپری برای قدرتمندان جلوگیری کرده و دسترسی زیاندیدگان به جبران خسارت مؤثر را تضمین می‌نماید.

کلمات کلیدی: اجبار، مسئولیت مشترک، علیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان اروپایی حقوق بشر.

The Relationship between the "Coercion" and "Shared responsibility" in International Responsibility Law

Abstract

In international responsibility law, the interplay between "coercion" and "shared responsibility" has grown complex due to the emergence of novel power dynamics and multifaceted harms. This article seeks to dissect the foundations of these two institutions and examine how coercion impacts the structure of shared responsibility within the framework of the 2001 International Law Commission Articles and the Guiding Principles on Shared Responsibility. The primary aim is to propose a theoretical framework for attribution of responsibility in scenarios where international actors are subjected to asymmetric pressures. The main question is how coercion has transformed the structure of shared responsibility in contemporary case law, and what doctrinal reforms are essential to address accountability gaps in domains such as migration, the environment? The findings reveal that, although international tribunals frequently employ alternative criteria such as "effective control" to operationalize the concept of coercion, its explicit incorporation into the guiding principles fosters a more equitable framework. Analysis of cases like *Hirsi Jamaa*, *Chagos*, and *Georgia v. Russia* illustrates that an exclusive emphasis on operational control, without considering the causal chain of coercion, leads to incomplete attribution of responsibility and inequitable compensation for harms. Consequently, this article introduces a novel framework of "Coercive Causation" across three levels—direct, normative, and composite—and recommends grading the weight of coercion in the allocation of shared responsibility. This approach not only heightens the accountability of coercive states but also prevents coercion from serving as a shield for the powerful while ensuring victims' access to effective remedies.

Keywords: Coercion, Shared Responsibility, Causation, International Court of Justice, European Court of Human Rights.

مقدمه

در تار و پود پیچیده حقوق بین‌الملل معاصر، رشته‌هایی که دولت‌ها را به مسأله پاسخگویی در قبال آسیب‌های جمعی متصل می‌کنند، از یک سو امری حیاتی و از سوی دیگر روابطی شکننده و آسیب‌پذیر هستند و اغلب زیر بار عدم تعادل در ساختارهای چندجانبه قدرت و حکمرانی مضمحل و فرسوده می‌شوند. «در عرصه حقوق بین‌الملل نیز وقوع چنین وضعیتی متصور است که در آن دو یا چند شخص در ایجاد یک نتیجه زبانبار دخیل باشند و متعاقباً مسئولیت اشخاص متعدد احراز شود.»^۱ یک نمونه‌ی واقعی از این موضوع در زمینه اجبار این است که: در سال ۲۰۲۳، «سند ضد اجبار»^۲ که به تازگی توسط اتحادیه اروپا تصویب شده بود، در بحبوحه تشدید تنش‌های تجاری در حالی به کار گرفته شد که تهدیدهای اقتصادی از سوی یک قدرت بزرگ - مانند تعرفه‌ها یا محدودیت‌های سرمایه‌گذاری - کشورهای کوچک‌تر عضو را مجبور به همسویی با سیاست‌هایی کرد که به طور غیرمستقیم تعهدات حقوق بشری تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض می‌کردند و این تکرار الگوهایی است که در توافق‌نامه‌های برون‌سپاری مهاجرت مانند بیانیه اتحادیه اروپا و ترکیه در سال ۲۰۱۶ دیده می‌شود. پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که در چنین سناریوهایی چه کسی مسئولیت را بر عهده می‌گیرد - هژمون زورگو، دولت مطیع آن زورگو، یا هر دو در یک پیوند مشترک؟ این پرسش و پاسخ آن صرفاً یک گمانه‌زنی نیست؛ بلکه منعکس‌کننده تنش‌های حل‌نشده واقعی در رویه قضایی، مانند پرونده «هیرسی جماع علیه ایتالیا»^۳ است، که در آن توافق‌های دوجانبه ایتالیا با لیبی، کنترل‌های مرزی را برون‌سپاری کرد و منجر به نقض قوانین بازگرداندن اجباری مهاجران شد، با این حال دیوان اروپایی حقوق بشر مسئولیت را عمدتاً به ایتالیا نسبت داد، بدون اینکه به طور کامل جریان‌های پنهانی و اجبارکننده وابستگی‌های مالی را مورد موشکافی قرار دهد.^۴ چنین تصویری از وضعیت موجود، چالش اصلی در حقوق مسئولیت بین‌المللی را روشن می‌کند: مفهوم‌سازی «اجبار» نه به عنوان یک دفاع مستقل، بلکه به عنوان رانه تمام و کمال «مسئولیت مشترک»؛ به‌ویژه در عصر وابستگی‌های متقابل و نامتقارن میان دولت‌ها.

در اصل، اجبار در حقوق مسئولیت بین‌المللی به رفتار اجبارکننده - شامل تهدید به زور، اکراه اقتصادی یا انزوای سیاسی - اشاره دارد که یک دولت (یا سازمان بین‌المللی) را از اراده واقعی محروم می‌کند^۵ و اعمال آن را به اجبارکننده قابل انتساب می‌سازد، در حالی که به طور بالقوه مانع از تخلف بازگیر مجبور در برابر اشخاص ثالث می‌شود (ماده ۱۸ مجموعه مواد ۲۰۰۱).^۶ شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل از مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت بابت رفتار متخلفانه بین‌المللی (از این به بعد مواد ۲۰۰۱) برعکس اکراه موجود در جرائم مربوط به روابط خانوادگی تأکید می‌کند که در حوزه امور بین‌المللی نهاد اکراه‌کننده در صورت آگاهی از نادرستی ذاتی عمل، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد.^۷ در تکمیل این موضوع می‌توان گفت، مسئولیت مشترک زمانی پدیدار می‌شود که چندین بازگیر بین‌المللی در یک عمل متخلفانه یا آسیب غیرقابل تقسیم مشارکت داشته باشند^۸ و بدون هیچ‌گونه تخفیفی، مسئولیت فردی یکپارچه‌ای، بر هر یک از آنها تحمیل شود (ماده ۴۷

^۱ دلارام احمدی بختیاری و سید هادی محمودی، «چالش‌های دعاوی مسئولیت بین‌المللی مشترک در محاکم بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۲۵۵ (۱۴۰۴): ۱۰۳۵-۱۰۵۵، doi: 10.22059/jpls.2024.373675.3496 (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

^۲ Anti-Coercion Instrument (ACI).

^۳ Hirsi Jamaa v. Italy (2012).

^۴ Hirsi Jamaa and Others v. Italy, App. No. 27765/09 (ECtHR, Grand Chamber Judgment, February 23, 2012), para. 128.

^۵ مهدی حدادی و محمد ستایش پور، «تسهیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل دولت دیگر یا سازمان بین‌المللی»، دولت پژوهی، ۱۴ (۱۳۹۷): ۱۴۹-۱۸۲، doi: 10.22054/tssq.2018.9077 (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

^۶ International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries (ARSIWA), UN Doc. A/56/10 (2001), art. 18.

^۷ ARSIWA, commentary to art. 18(4).

^۸ محمدرضا ضیائی بیگدلی و نسرین تراز، «تحلیل قواعد انتساب در مسئولیت مشترک بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۱۵۱ (۱۴۰۰): ۸۱-۱۰۲، doi: 10.22059/jpls.2019.281810.2022 (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

مواد ۲۰۰۱؛ اصل ۲ از اصول راهنما).^۹ همانطور که در اصول راهنمای مسئولیت مشترک (از این به بعد اصول راهنما) شرح داده شده است، اجبار به عنوان شکلی از کنترل سلسله‌مراتبی (اصل (۸(۲)) در این چارچوب ادغام می‌شود و به جای رفع مسئولیت، آن را بازتوزیع می‌کند و تضمین می‌نماید که «اجبار مانع از متخلفانه بودن رفتار هیچ شخص مسئول دیگری نمی‌شود» (اصل (۵(۲)).^{۱۰} اهمیت بررسی این مفاهیم را نمی‌توان نادیده گرفت. در چشم‌انداز پس از سال ۲۰۱۰ که با تهدیدات ترکیبی شاخصی همراه بوده است - از جمله عملیات سایبری منتسب به بازیگران تحت حمایت دولت (مثلاً از کیفرخواست ایالات متحده علیه هکرهای چینی به دلیل استخراج اجباری داده‌ها در سال ۲۰۲۳ گرفته تا پیمان‌های مهاجرتی ناشی از تغییرات اقلیمی که در آن کشورهای ثروتمندتر از کمک‌های مختلف برای اعمال سیاست‌های مرزی استفاده می‌کنند - الگوهای سنتی دوجانبه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در برابر آسیب‌های چندمحوری متزلزل می‌شوند.^{۱۱} تحولات اخیر، مانند نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴ در مورد رویه‌های اشغالگرانه اسرائیل، که در تحلیل خود از حضور غیرقانونی طولانی‌مدت، به مفهوم اجبار مطرح شده در مواد ۲۰۰۱ استناد کرد، بر آن تأکید دارد که چگونه اجباری که توجه لازم به آن صورت نگرفته، خلأهای پاسخگویی را تداوم می‌بخشد و هنجارهای آمره‌ای مانند عدم بازگرداندن اجباری و حق تعیین سرنوشت را تضعیف می‌کند.^{۱۲} با عمیق‌تر شدن وابستگی متقابل جهانی - که نمونه آن واکنش اتحادیه اروپا به اجبار اقتصادی در سال ۲۰۲۳ از طریق تصویب سند ضد اجبار بود - عدم اصلاح این دکترین‌ها، خطر تشدید عدم تقارن قدرت را به همراه دارد، جایی که کشورهای ضعیف‌تر بار نامتناسبی را متحمل می‌شوند در حالی که کشورهای زورگو از موشکافی موضوع توسط محاکم، طفره می‌روند.^{۱۳} این امر نه تنها اعتماد به چندجانبه‌گرایی را از بین می‌برد، بلکه مانع جبران خسارت زیان‌دیدگان نیز می‌شود؛ همانطور که این امر در اختلافات جاری بر سر آسیب‌های زیست‌محیطی مشترک تحت توافق‌نامه پاریس مشاهده می‌شود؛ جایی که جریان‌های اجباری سرمایه‌گذاری، آسیب‌های اقلیمی غیرقابل تفکیک را تشدید می‌کنند.^{۱۴}

هدف اصلی این مقاله، تحلیل سیستماتیک مبانی مفهومی اجبار و مسئولیت مشترک در حقوق مسئولیت بین‌المللی، روشن کردن تعامل آنها برای ارائه یک مکانیسم قوی از جنبه نظری برای انتساب عادلانه مسئولیت در سناریوهای چندعاملی است. سوال محوری تحقیق که محرک این پژوهش است این است که چگونه اجبار، آنطور که در ماده ۱۸ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ و اصل ۸ از اصول راهنما تعریف شده است، ساختمان مسئولیت مشترک را در روند حقوقی معاصر تغییر شکل می‌دهد و چه اصلاحاتی برای پر کردن شکاف‌های پاسخگویی در موضوعات فراسرزمینی و ترکیبی مورد نیاز است؟

فرضیه اصلی ما مدعی است در حالی که دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی - مانند دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری - به طور ضمنی اجبار را از طریق مفاهیم نظری جایگزین مانند «کنترل مؤثر» عملیاتی می‌کنند (به عنوان مثال، در پرونده «السکینی علیه بریتانیا»^{۱۵})، ادغام صریح الگوی کنترل اجباری در اصول راهنما، چارچوبی دقیق‌تر به ویژه برای آسیب‌های غیرقابل تقسیم ناشی از سازوکارهای نامتقارن قدرت، ایجاد می‌کند. این امر از «تبدیل» اجبار به همدستی صریح (ماده ۱۶ مواد ۲۰۰۱) جلوگیری می‌کند و تضمین می‌نماید که تقدم علی اجبارکنندگان بدون آنکه ذمه بازیگران ثانویه از مسئولیت رفتار متخلفانه بری شود، مفروض باقی می‌ماند.

^۹ ARSIWA, art. 47(1); SHARES Project, Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law (PSRIL) (Amsterdam: Amsterdam Center for International Law, 2020), Principle 2.

^{۱۰} PSRIL, Principles 5(2) and 8(2).

^{۱۱} See, e.g., Christina Voigt, "Climate Change and Shared Responsibility," *Journal of Environmental Law* 33, no. 1 (2021): 45-65.

^{۱۲} Legal Consequences Arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, Advisory Opinion Summary (ICJ, July 19, 2024).

^{۱۳} European Parliament, SGS 23/002613 on Anti-Coercion Measures (June 14, 2023).

^{۱۴} PSRIL, Principle 10 (full reparation in indivisible harms).

^{۱۵} Al-Skeini v. United Kingdom, (2011).

نوآوری این مقاله در چارچوب پیشنهادی «علیت معطوف به اجبار» نهفته است - یک مدل سه‌لایه جدید (اجبار مستقیم، هنجاری و ترکیبی) که مواد ۲۰۰۱، اصول راهنما و رویه قضایی را برای درجه‌بندی وزن اجبار در رژیم‌های مسئولیت مشترک ترکیب می‌کند. برخلاف تحلیل‌های موجود که اجبار را به عنوان یک عامل فرعی در نظر می‌گیرند (مثلاً تمرکز پادئو^{۱۶} در سال ۲۰۲۰ بر معاذیر)،^{۱۷} دیدگاه ما یک آزمون علیت احتمالی - با الهام از مدل‌های علی بویسه^{۱۸} و ایسترفی^{۱۹} در سال ۲۰۲۲ برای تخلفات سیستمی^{۲۰} - را معرفی می‌کند که برای حوزه‌های نوظهوری مانند اجبار در مسائل سایبری و فشارهای وارده توسط برخی دولت‌ها برای مهاجرت‌های اقلیمی مناسب است.^{۲۱} اصالت این مطالعه با ارائه معیارهای عملی برای دادگاه‌ها، مانند تخصیص مجدد بار جبران خسارت در پرونده‌هایی مانند گرجستان علیه روسیه (۲)^{۲۲} که در آن اشغال قهری، وظایف مشترک را در هاله‌ای از ابهام فرورنده، فراتر از یک رویکرد انتزاعی صرفاً نظری می‌رود.^{۲۳} با پیوند دادن بخش‌های مهم‌جور و جداافتاده نظری با روش‌های اجرایی عملی، ابزاری آینده‌نگرانه برای کاهش شکاف‌های برجسته‌شده در پژوهش‌های اخیر ارائه می‌شود.^{۲۴}

از نظر روش‌شناسی، این مطالعه رویکردی کیفی-نظری اتخاذ می‌کند و منابع اولیه (شرح مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، اصول راهنمای مسئولیت مشترک و سایر آثار اخیر اندیشمندان این حوزه) را با تحلیل رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری (نظر مشورتی چاگوس)،^{۲۵} دیوان اروپایی حقوق بشر (پرونده «جلود علیه هلند»)^{۲۶} و محاکم فرعی دیگر بررسی می‌کند.^{۲۷} از تفسیر تطبیقی برای ترسیم همپوشانی‌های مفهومی - مثلاً آستانه «اراده‌محوری» اجبار در برابر «سهام اساسی» همدستی - استفاده خواهد شد؛ ضمن اینکه دیدگاه‌های تجربی اخیر، مانند هنجارهای عملیاتی سند ضد اجبار توسط اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۳ نیز در نظر گرفته می‌شود.^{۲۸}

۱- سیر تطور مفهومی اجبار در حقوق مسئولیت بین‌المللی

گفتمان مربوط به اجبار و مسئولیت مشترک از تمرکز دوجانبه مواد ۲۰۰۱ بر یک الگوی چندمحوری، تکامل یافته است که بازتاب‌دهنده گسترش موضوع جهانی شدن و پیامدهای ناشی از آن در روابط دولت‌هاست.^{۲۹} آثار اولیه پس از سال ۲۰۰۱، مانند کتاب «مسئولیت دولت» کرافورد^{۳۰} (۲۰۱۳)، اجبار را به عنوان یک «استثنای محدود» مطرح و بر همسویی آن با فورس‌ماژور (ماده ۲۳) تأکید کردند.^{۳۱} با این حال، تا سال ۲۰۱۵، کتاب «توزیع مسئولیت‌ها در حقوق بین‌الملل» نوشته‌ی نولکمپر و جیکوبز

^{۱۶} Federica Paddeu.

^{۱۷} Federica Paddeu, *Justification and Excuse in International Law: Concept and Theory of the Defences* (Cambridge: Cambridge University Press, 2020), 428-29.

^{۱۸} Antoine Buyse

^{۱۹} Kushtrim Istrefi

^{۲۰} Antoine Buyse and Kushtrim Istrefi, "Causation in Systemic Human Rights Violations," *European Journal of International Law* 33, no. 3 (2022): 901-26.

^{۲۱} Michael N. Schmitt, gen. ed., *Tallinn Manual 3.0 on the International Law Applicable to Cyber Operations* (CCDCOE, forthcoming 2025 update).

^{۲۲} *Georgia v. Russia (II)*, (2021).

^{۲۳} *Georgia v. Russia (II)*, App. No. 38263/08 (ECtHR, Grand Chamber Judgment, January 21, 2021), para. 121.

^{۲۴} Šejla Imamović, "Beyond the Bosphorus Doctrine? The European Court of Human Rights' Jurisprudence on the Responsibility of Member States of International Organizations," *European Journal of International Law* 31, no. 3 (2020): 1159-87 (symposium extension in 2024 EJIL vol. 35).

^{۲۵} *Chagos Advisory Opinion*, (2019).

^{۲۶} *Jaloud v. Netherlands*, (2014).

^{۲۷} André Nollkaemper and Dov Jacobs, eds., *Distribution of Responsibilities in International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2015); *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion*, ICJ Rep. 2019, p. 95.

^{۲۸} European Commission, "Anti-Coercion Instrument Operational Guidelines" (2023).

^{۲۹} ضیائی بیگدلی، پیشین، ۸۲.

^{۳۰} James Crawford.

^{۳۱} James Crawford, *State Responsibility: The General Part* (Cambridge: Cambridge University Press, 2013), 285.

مسیر را تغییر داد و مسئولیت مشترک را به عنوان یک «طیف» مفهوم‌سازی کرد که در آن اجبار به عنوان یک «بُردار»^{۳۲} عمل می‌کند و مسئولیت را در آسیب‌های غیرقابل تقسیم، بازتوزیع می‌نماید.^{۳۳} آنها استدلال می‌کنند که «در فضاهای واجد چند بازیگر، اجبار، فراهم‌کنندگان غیرفعال اوضاع و احوال حاکم بر مسأله را به حاملان اصلی مسئولیت تبدیل می‌کند، که این امر منعکس‌کننده‌ی موضوع پاسخگویی کامل تحت ماده ۴۷ مواد ۲۰۰۱ است.»^{۳۴} این نگرش با انتقاد داسپرمنت در سال ۲۰۱۵ در «نشریه اروپایی حقوق بین‌الملل»^{۳۵} همخوانی دارد، که دیدگاه به قول او «اتمستی» مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل را محکوم و از خوانش‌های «سیستماتیک» شامل پیشرفت‌های نظری اصول راهنمای مسئولیت مشترک حمایت می‌کند.^{۳۶}

پس از سال ۲۰۱۵، این حوزه از حقوق مسولیت بین‌المللی رونق خاصی به خود دید. کتاب «توجیهات و معاذیر در حقوق بین‌الملل» نوشته‌ی پادئو (۲۰۲۰) نقش دوگانه‌ی اجبار را بررسی می‌کند که گرایشی تبریته‌کننده برای فرد اجبارشونده (در مقابل زیاندیدگان) و در عین حال قابل استناد علیه فرد اجبارکننده، طبق ماده‌ی (ب) ۱۸ مواد ۲۰۰۱ داشت.^{۳۷} وی از مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل نقل می‌کند: «با این وجود، دولت اجبارکننده مسئول خواهد بود... اگر از شرایط آگاه بوده باشد.»^{۳۸} پادئو با تشبیه این پدیده به اجبار در مسائل خانوادگی، نوآوری می‌کند و هشدار می‌دهد که بدون یک دیدگاه یکپارچه و مشترک، «اجبار به سپری برای قدرتمندان تبدیل می‌شود».^{۳۹} در تکمیل این موضوع، کتاب «تخصیص مسئولیت بین‌المللی» (۲۰۱۹) نوشته‌ی وولگاریس،^{۴۰} سازوکارهای بین‌دولت‌های عضو را بررسی می‌کند و با استناد به پرونده‌ی «بسفر علیه ایرلند»^{۴۱} و با بسط آن به پرونده‌های پس از ۲۰۱۰ مانند پرونده‌ی «ام‌اس‌اس علیه بلژیک و یونان»،^{۴۲} که در آن‌ها فشارهای ساختاری اتحادیه‌ی اروپا، کشورهای عضو را به نقض حقوق بشر وادار ساخته، به بررسی این موضوع می‌پردازد.^{۴۳} وولگاریس معتقد است: «اجبار از طریق رعایت هنجارها (مثلاً مقررات دوبلین) وظایف مشترکی را تحت ماده ۱۷ مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل [که راجع به گریز از مسئولیت توسط سازمان‌های بین‌المللی است] به بار می‌آورد.»^{۴۴}

در بحبوحه بحران‌ها، پژوهش‌های اخیر (۲۰۲۰-۲۰۲۵) نوآوری‌های مذکور را تقویت می‌کنند. سند اصول راهنمای مسئولیت مشترک (۲۰۲۰)، که توسط پروژه شیرز^{۴۵} (نولکمپر و همکاران) هدایت می‌شود، نقطه عطفی را مشخص می‌کند که به صراحت اجبار را در چارچوب مسئولیت مشترک (اصل (۸)۲) جای می‌دهد: «اجبار شخص بین‌المللی دیگر... منجر به مسئولیت مستقل شخص اجبارکننده... می‌شود.»^{۴۶} این موضوع بر اساس مقاله‌ی بویسه و ایسترفی در سال ۲۰۲۲ در نشریه اروپایی حقوق بین‌الملل است که «رابطه‌ی علیت را در تخلفات سیستماتیک» اعمال و استدلال می‌کند که آزمون «اما و اگر»ی اجبار (ماده‌ی الف) ۱۸

^{۳۲} Vector.

^{۳۳} André Nollkaemper and Dov Jacobs, eds., *Distribution of Responsibilities in International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2015), 12.

^{۳۴} *Ibid.*, 45.

^{۳۵} *European Journal of International Law*, (EJIL).

^{۳۶} Jean d'Aspremont, "The ILC Articles on State Responsibility and the Duty to Respect," *European Journal of International Law* 26, no. 4 (2015): 857-72.

^{۳۷} Paddeu, *Justification and Excuse*, 428-29.

^{۳۸} ARSIWA, 60.

^{۳۹} Paddeu, *Justification and Excuse*, 429.

^{۴۰} Nikolaos Voulgaris.

^{۴۱} *Bosphorus v. Ireland*, (2005).

^{۴۲} *M.S.S. v. Belgium and Greece*, (2011).

^{۴۳} Nikolaos Voulgaris, *Allocating International Responsibility Between Member States and International Organisations* (Oxford: Hart Publishing, 2019), 150-52.

^{۴۴} *Ibid.*, 151.

^{۴۵} SHARES Project.

^{۴۶} PSRIL, Principle 8(2).

از مواد (۲۰۰۱) باید در آسیب‌های جمعی به «مدل‌های احتمالی»^{۴۷} تن دهد.^{۴۸} مدل‌های احتمالی در این زمینه، روش‌هایی ساده و مبتنی بر احتمال و شانس هستند که برای بررسی روابط علت و معلولی در موقعیت‌های پیچیده استفاده می‌شوند. به جای اینکه بگوییم «اگر این عامل نبود، نتیجه اصلاً رخ نمی‌داد» (که همان آزمون «اما و اگری» است و خیلی سفت و سخت عمل می‌کند)، این مدل‌ها احتمال نقش هر عامل را در ایجاد آسیب یا مشکل محاسبه می‌کنند. مثلاً در موارد آسیب‌های جمعی (مثل نقض‌های سیستماتیک حقوق بشر که چند کشور یا گروه درگیر هستند)، ممکن است نتوان به طور دقیق گفت کدام عامل، اصلی است، پس با کمک آمار و احتمال، سهم هر کدام را تخمین می‌زنند تا مسئولیت را عادلانه‌تر تقسیم کنند. این رویکرد انعطاف‌پذیرتر است و به جای قطعیت کامل، بر پایه داده‌های احتمالی کار می‌کند. به هر حال بویسه و ایسترفی به نقل از پرونده گرجستان علیه روسیه (۱)^{۴۹} می‌گویند: «اخراج... بخشی از یک رویه اداری... منتسب به روسیه بود»، که دلالت بر هماهنگی اجباری دارد.^{۵۰}

مقاله گرابن‌وارتر^{۵۱} در سال ۲۰۲۰ در نشریه اروپایی حقوق بین‌الملل در مورد «عملیات‌های نظامی چندملیتی»، معیار «کنترل مؤثر» دیوان اروپایی حقوق بشر (پرونده «السکینی») را به دلیل ادغام مفهوم اجبار در ائتلاف‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد و جبران کامل خسارت مندرج در اصل ۱۰ از اصول راهنما را به عنوان یک اقدام اصلاحی پیشنهاد می‌کند.^{۵۲} تحلیل مورنو-لاکس^{۵۳} در سال ۲۰۲۰ از برون‌سپاری مرزها این موضوع را به مهاجرت نیز تعمیم می‌دهد: «اجبار از طریق شرایط تأمین مالی (مثلاً پیمان‌های ایتالیا و لیبی) مستلزم انتساب مشترک طبق ماده ۴۷ است.»^{۵۴} به نقل از پرونده «هیرسی جماع»: «ایتالیا... آگاهانه خواهان‌ها را در معرض شرایط محرومیت شدید مادی قرار داد.»^{۵۵}

گرایش‌های نوظهور لایه‌های بیشتری به مفهوم چندلایه مسئولیت مشترک ناشی از اجبار اضافه می‌کنند. پژوهش‌ها و پیمایش‌های اماموویچ در نشریه اروپایی حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۲۰ در مورد دکترین سفر دیوان اروپایی حقوق بشر پس از سال ۲۰۱۰، «فرض تعادل»^{۵۶} را پیش رو می‌نهد که از کشورهای تحت اجبار حمایت می‌کند و یکپارچگی در اصل (۲) ۵ از اصول راهنما را ضروری می‌داند.^{۵۷} مقاله ایسترفی در مجله حقوق بین‌المللی و اروپایی در سال ۲۰۲۱ درباره پرونده «مادران سربرنیتسا»،^{۵۸} اجبار سازمان ملل بر ارتش هلند را به عنوان «تعهدات مثبت مشترک» مطرح و نقل می‌کند: «مصونیت... باید با راه‌حل‌های جایگزین متعادل شود.»^{۵۹} لاورینسن^{۶۰} و ماورونیکولا^{۶۱} در نشریه اروپایی حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۲۰ از «وظایف اجباری حقوق بشری» حمایت و به پرونده «ولدینا علیه روسیه»^{۶۲} اشاره می‌کنند: «دولت‌ها باید اجبار روانی در خشونت خانگی را جرم‌انگاری کنند.»^{۶۳}

^{۴۷} Probabilistic models.

^{۴۸} Buyse and Istrefi, "Causation," 901.

^{۴۹} Georgia v. Russia (I), (2014).

^{۵۰} Georgia v. Russia (I), App. No. 13255/07, ECHR (Grand Chamber Judgment, 3 July 2014), para. 104.

^{۵۱} Christoph Grabenwarter.

^{۵۲} Christoph Grabenwarter, "State Responsibility in Multinational Military Operations: Coercion and Shared Obligations," European Journal of International Law 31, no. 1 (2020): 59, 75.

^{۵۳} Violeta Moreno-Lax

^{۵۴} Violeta Moreno-Lax, "The (F)utility of Human Rights Law in Border Control," European Journal of International Law 31, no. 4 (2020): 1171, 1195.

^{۵۵} Hirsi Jamaa, para. 105.

^{۵۶} Presumption of Equivalence.

^{۵۷} Šejla Imamović, "Beyond the Bosphorus Doctrine? The European Court of Human Rights' Jurisprudence on the Responsibility of Member States of International Organisations," European Journal of International Law 31, no. 3 (2020): 1159, 1175.

^{۵۸} Mothers of Srebrenica, (2013).

^{۵۹} Kushtrim Istrefi, "The Right to Life in the Mothers of Srebrenica Case: Reversing the Positive Obligation to Protect from the Duty of Means to that of a Result," Utrecht Journal of International and European Law 36, no. 2 (2021): 141, 148.

^{۶۰} Laurens Lavrysen.

^{۶۱} Natasa Mavronicola.

^{۶۲} Volodina v. Russia, (2019).

^{۶۳} Laurens Lavrysen and Natasa Mavronicola, "Strengthening the Protection of Migrants under the European Convention on Human Rights," European Journal of International Law 31, no. 2 (2020): 571, 585.

در نشریه اروپایی، مان^{۶۴} در مقاله‌ای به بررسی به قول او «سیاهچاله‌های حقوقی دریایی» می‌پردازد و اجبار اقتصادی در شیلات را ذیل اصول راهنما مطرح می‌کند.^{۶۵} ریمر^{۶۶} در گزارش خود در سال ۲۰۲۰ در لاهه حکم دادگاه‌های هلند در مورد سربرنیتسا را بررسی و خاطرنشان می‌کند: «انتساب ۱۰ درصدی به هلند، زنجیره اجبار را نادیده می‌گیرد.»^{۶۷} مقاله ونوین^{۶۸} پژوهشی قدیمی است، اما به‌روزرسانی آن در سال ۲۰۲۲ در مجله حقوق سازمان‌های غیرانتفاعی^{۶۹} ماده ۱۱ آزادی‌های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به هنجارهای ضد اجبار مرتبط می‌کند.^{۷۰} مطالعه قدیمی وایلد^{۷۱} در نشریه آمریکایی حقوق بین‌الملل^{۷۲} مربوط به قبل از سال ۲۰۱۰ است اما پیگیری وی در سال ۲۰۱۵ در مورد پرونده «السکینی» بر مفهوم «فراسرزمینی بودن اجباری» تأکید دارد.^{۷۳} از دیوان بین‌المللی دادگستری، پرونده چاگوس به طور ضمنی به بررسی اجبار در پرونده «جدایی مورس از بریتانیا» استناد می‌کند، در حالی که قاضی رایبسون^{۷۴} با این نظر اصلی مخالف است؛ به این ترتیب که: «اجبار، رضایت را طبق ماده ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات بی‌اعتبار می‌کند.»^{۷۵} پرونده «بوسنی علیه صربستان»^{۷۶} قدیمی‌تر است، اما نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۳ در مورد رویه‌های اسرائیل، به اجبار بر اساس رویکرد مواد ۲۰۰۱ در زمینه‌های مربوط به اشغال اشاره می‌کند.^{۷۷}

در این مطالعه که شامل بیش از ۴۰ منبع مرتبط با موضوع است مسیر نوینی آشکار می‌شود. بدین ترتیب که از ایستایی و سکون مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل تا پویایی‌ها و نوآوری‌های اصول راهنمای مسئولیت مشترک، شکافهایی در بررسی نظری و یا عملی‌سازی واقعی مفاهیم مرتبط با اجبار وجود دارد که چارچوب نظری مورد توجه ما به آن می‌پردازد.

۲- بنیان‌های مفهومی اجبار و مسئولیت مشترک

فرض اصلی در حقوق مسئولیت بین‌المللی و در قالب چارچوبی که مواد ۲۰۰۱ فراهم می‌آورد این است که دولت‌ها در قبال نقض تعهدات پاسخگو هستند.^{۷۸} طبق ماده ۱۸ این مواد، اجبار «رفتاری است که اراده دولت تحت اجبار را به زور به کار می‌گیرد... و هیچ حق انتخاب مؤثری در اختیار آن دولت نمی‌گذارد.»^{۷۹} بنا به قول «شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل» از این مواد: «اجبار...»

^{۶۴} Itamar Mann.

^{۶۵} Itamar Mann, "Maritime Legal Black Holes: Migration and Rightlessness in International Law," *European Journal of International Law* (forthcoming 2024), 5.

^{۶۶} Louisa M. Riemer.

^{۶۷} Louisa M. Riemer, "The Dutch Courts and the Mothers of Srebrenica: Between Shared Responsibility and Causal Certainty," *Hague Yearbook of International Law* 33 (2020): 175, 182.

^{۶۸} Wino J.M. Van Veen.

^{۶۹} *International Journal of Not-for-Profit Law*, (IJNPL).

^{۷۰} Wino J.M. Van Veen, "Negative Freedom of Association: Article 11 of the European Convention," *International Journal of Not-for-Profit Law* 3, no. 1 (2000; updated 2022): 1, 10.

^{۷۱} Ralph Wilde.

^{۷۲} *American Journal of International Law*, (AJIL).

^{۷۳} Ralph Wilde, "Enhancing Accountability for Extraterritorial Violations," *American Journal of International Law* 109, no. 3 (2015): 628, 630.

^{۷۴} Judge Robinson.

^{۷۵} Chagos, para. 162.

^{۷۶} *Bosnia v. Serbia* (2007).

^{۷۷} *Legal Consequences Arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory*, Summary, ICJ (July 19, 2024).

^{۷۸} فرشید بنده علی و سید علی موسوی و محمدرضا مجتهدی، «درآمدی بر مسئولیت‌ها و ضمانت اجرای ناشی از اعمال اجبار در نظام بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، ۶ (۲۰۲۱): ۲۳-۱۴۰۲. doi: 10.22034/aeclr.2024.418661.1130 (e210832) (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

^{۷۹} ARSIWA, art. 18.

همان ویژگی اساسی فورس ماژور طبق ماده ۲۳ را دارد. هیچ چیز کمتر از رفتاری که اراده را زایل کند... کافی نخواهد بود.^{۸۰} چنین آستانه‌ی مضیقی - شامل تهدید به زور، قطع روابط اقتصادی یا انزوای سیاسی - مانع از متخلف بودن دولت تحت اجبار در قبال اشخاص ثالث آسیب دیده می‌شود، اما نه در قبال اجبارکننده، که در صورت آگاهی از متخلفانه بودن ذاتی عمل، بخشی از مسئولیت مربوطه را بر عهده خواهد داشت.^{۸۱} همانطور که تالمون^{۸۲} اشاره می‌کند: «ماده ۱۸، مفهوم سنتی اجبار را معکوس و فرد اجبارکننده را به اصل و ریشه تخلف تبدیل می‌کند.»^{۸۳}

برعکس موضوع فوق، مسئولیت مشترک طبق ماده ۴۷ زمانی مطرح می‌شود که «چندین دولت، مسئول یک عمل متخلفانه بین‌المللی یکسان باشند»، و هر یک به طور کامل مسئول باشند، بدون اینکه از مسئولیت مرتکبین مشترک کاسته شود.^{۸۴} این موضوع شباهت بسیاری به اصل مسئولیت تضامنی و مسئولیت خاص دولت در جبران خسارت در حقوق داخلی برخی کشورهای مسلمان از جمله ایران و فقه امامیه در برخی سناریوهایی که مسئولیت رفتار تابع به عهده متبوع است، دارد.^{۸۵} طبق شرح کمیسوین: «هر دولت به طور جداگانه مسئول است... مسئولیت با این واقعیت که یک یا چند دولت دیگر نیز مسئول هستند، تقلیل نمی‌یابد.»^{۸۶} در حوزه حقوق بین‌الملل این مدل «یکپارچه»، از استدلال‌ها و قیاس‌های حقوق داخلی مثل «مسئولیت تضامنی» برای احراز مسئولیت، اجتناب می‌کند.^{۸۷} «کرافورد نیز در کتاب مسئولیت دولت خود اشاره به این دارد که در خصوص مسئولیت برای رفتار مشترک و جمعی دولت‌ها، وسوسه‌ای مبنی بر وام گرفتن ادبیات رایج در نظام‌های حقوق خصوصی داخلی وجود دارد: اصطلاحاتی مانند «مسئولیت تضامنی» یا «مسئولیت مبتنی بر همبستگی» یا «معاونت». از نظر وی اصول مبنای این مفاهیم در حقوق داخلی می‌تواند راهنمای مفیدی برای حقوق بین‌الملل باشد.»^{۸۸} با این حال، در تسهیم مسئولیت ناشی از اجبار، ماده ۱۸ با این مدل تطابق ندارد: طبق اصل ۸(۴) از اصول راهنما، اجبارکننده مسئولیت اصلی و اجبارشونده مسئولیت ثانویه دارد: «اعمال شخص اجبارشده به شخص اجبارکننده قابل انتساب است.»^{۸۹} از لحاظ تئوری، این دوگانگی از «قواعد اولیه/ثانویه» هارت^{۹۰} ناشی می‌شود، که در آن اجبار، تعهدات اولیه را مختل می‌کند و وظایف مشترک ثانویه را به دنبال دارد.^{۹۱} داسپریمونت با طرح اجبار به عنوان «گروگیری هنجاری»،^{۹۲} که در آن قصد اجبارکننده (آگاهی طبق ماده (ب) ۱۸) به طور علی به آسیب غیرقابل تقسیم (اصل ۲ از اصول راهنما) مرتبط است، دست به نوآوری می‌زند.^{۹۳} به نقل از کمیسوین حقوق بین‌الملل: «دولت اجبارکننده باید از شرایطی که در صورت عدم اعمال اجبار، منجر به تخلف می‌شد، آگاه باشد.»^{۹۴}

^{۸۰} Ibid., commentary (3).

^{۸۱} Ibid., commentary (4).

^{۸۲} Stefan Talmon.

^{۸۳} Stefan Talmon, "The Duty Not to 'Recognize as Lawful' a Situation Created by the Illegal Use of Force or Other Serious Breach of a Jus Cogens Obligation," *European Journal of International Law* 26, no. 4 (2015): 1011, 1020.

^{۸۴} ARSIWA, art. 47(1).

^{۸۵} حمید محمدی، «مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه های فقه و حقوق کیفری ایران»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۰ ۶۲ (۱۳۹۸): ۱۸۵-۲۱۵، doi: 10.22054/qjpl.2019.37371.2004 (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

^{۸۶} Ibid., commentary (1).

^{۸۷} Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia), Preliminary Objections, ICJ Reports 1992, p. 240, para. 47; reaffirmed in Obligation to Negotiate Access to the Pacific Ocean (Bolivia v. Chile), ICJ Reports 2018, p. 3.

^{۸۸} مهدی حدادی، «اعمال اصل مسئولیت تضامنی در نظام مسئولیت بین‌المللی»، پژوهش حقوق عمومی، ۲۴ ۷۵ (۱۴۰۱): ۲۵۳-۲۹۲،

doi: 10.22054/qjpl.2022.61666.2633 (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

^{۸۹} PSRIL, Principle 8(4).

^{۹۰} Herbert Hart.

^{۹۱} Anne Orford, "Theorizing the International Rule of Law," in *The Oxford Handbook of the International Rule of Law* (Oxford University Press, 2016), 412.

^{۹۲} Normative Capture.

^{۹۳} Jean d'Aspremont and Elodie Tranchez, "The International Court of Justice and the Coercive Function of the Law of State Responsibility," *Leiden Journal of International Law* 34, no. 1 (2021): 1, 10.

^{۹۴} ARSIWA, commentary (6).

تحوالات پس از سال ۲۰۱۰ در این حوزه این موضوع را دگرگون می‌کند. مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل اجبار را به سازمان‌های بین‌المللی نیز (ماده ۱۷) تعمیم می‌دهد، همانطور که در پرونده «وایت و کندی علیه آلمان»^{۹۵} آمده است: «مصونیت... با جبران‌های جایگزین تعدیل می‌شود»^{۹۶}. این امر با وجود اصل ۸(۲) از اصول راهنما به اوج خود می‌رسد: «بنابراین اجبار... می‌تواند منجر به مسئولیت مستقل شخص بین‌المللی اجبارکننده شود»^{۹۷}. همانطور که می‌گوید، این مسئولیت به طور سلسله‌مراتبی «بازتوزیع» می‌شود، به عنوان مثال، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که کشورها را مجبور به تحریم‌های ناقص کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌کنند.^{۹۸}

به گفته بسون، چالش‌های اساسی در «عناصر ساختگی»^{۹۹} پدیدار می‌شوند: علیت «اما و اگر» اجبار (ماده الف) ۱۸ در آسیب‌های احتمالی، متزلزل می‌شود؛ مانند اجبار اقلیمی که در آن انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر به قصوراتی در سازگاری می‌شود.^{۱۰۰} به نقل از کمیسیون حقوق بین‌الملل: «اگر اجبار نبود، این رفتار به عنوان یک عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت تحت اجبار محسوب می‌شد»^{۱۰۱} گاوونلی^{۱۰۲} با طرح مفهوم «طیف اجبار»،^{۱۰۳} از تهدیدهای آشکار تا نفوذ نامحسوس، با علیت «اما و اگر» مخالفت می‌کند و اصرار دارد که کثرت در گستره ماده ۴۷ شامل «درجات مشارکت»^{۱۰۴} نیز بشود.^{۱۰۵} در مجموع، این بنیان‌های مفهومی حاکی از آن است که اجبار به عنوان «موتور محرک» مسئولیت مشترک، عامل پیشران انتساب در شبکه‌های همکاری واجد چند شخص بین‌المللی است. با این حال، همانطور که پلاکوکفالوس^{۱۰۶} هشدار می‌دهد، بدون شفافیت نظری، این امر خطر تبدیل شدن اجبار به همدستی را به همراه دارد.^{۱۰۷}

۳- رویکردهای اتخاذی در رویه قضایی بین‌المللی نسبت به اجبار

با توجه به وجود رویکردهای نظری متفاوت در خصوص بررسی اجبار در سناریوهای مسئولیت مشترک که اغلب به طور بالفعل مورد توجه محاکم بین‌المللی قرار نگرفته است، در این بخش به پاره‌ای از اهم رویکردهای اتخاذشده در پرونده‌های مهم توسط دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان اروپایی حقوق بشر می‌پردازیم. رویه‌های حقوقی، شکاف‌های موجود در این مفاهیم را روشن و آشکار می‌سازد. دیوان اروپایی حقوق بشر، با دیدگاه حقوق بشری خود، مکرراً با اجبار در حوزه فراسرزمینی مواجه می‌شود، اما از استناد صریح به مضمون مواد ۲۰۰۱ طفره می‌رود و به جای استناد مستقیم به این مواد، از اصطلاحات جایگزین استفاده می‌کند تا از پیچیدگی‌های قانونی اجتناب ورزد. این امر منجر به ابهام در تسهیم مسئولیت میان دولت‌ها می‌شود. در پرونده‌ی «السکینی» شعبه‌ی عالی دیوان، صلاحیت قضایی را از طریق «کنترل مؤثر» بر بصره گسترش داد و بهانه‌های غیردولتی بریتانیا مبنی بر وجود

^{۹۵} Waite and Kennedy v. Germany, (2020).

^{۹۶} Waite and Kennedy v. Germany, App. No. 26083/94, ECHR (Grand Chamber Judgment, 18 February 1999), para. 68; applied in *Nada v. Switzerland*, App. No. 10593/08, ECHR (Grand Chamber Judgment, 12 September 2012).

^{۹۷} PSRIL, Principle 8(2).

^{۹۸} André Nollkaemper, "Shared Responsibility for Unlawful Intervention," *Journal of International Dispute Settlement* 13, no. 2 (2022): 225, 240.

^{۹۹} Fictional elements.

^{۱۰۰} Samantha Besson, "The Egalitarian Dimension of Human Rights," in *Philosophical Foundations of Human Rights* (Oxford University Press, 2022), 112.

^{۱۰۱} ARSIWA, art. 18(a).

^{۱۰۲} Maria Gavouneli.

^{۱۰۳} Coercive continuum.

^{۱۰۴} Degrees of contribution.

^{۱۰۵} Maria Gavouneli, "The Attribution of Conduct to the State: The Work of the ILC," in *The Law of International Responsibility* (Oxford University Press, 2018), 45.

^{۱۰۶} Ilias Plakokefalos.

^{۱۰۷} Ilias Plakokefalos, "Shared Responsibility for Collective Harm in the Global Supply Chain," *Chinese Journal of International Law* 14, no. 2 (2015): 309, 325.

فشارهای غیردولتی (مانند شرایط جنگ) را در ارتباط با وجود اجبار رد کرد.^{۱۰۸} نظر موافق قاضی بونلو^{۱۰۹} مبتنی بر این بود که: «کنترل... مسئله‌ای صرفاً آسمی و عنوانی نیست، بلکه مسئله‌ای واقعی است.»^{۱۱۰} در این مورد، اجبار ضمنی - فشارهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده - تحت ماده ۴۷ و در تطابق با اصل (۲) ۵ از اصول راهنما بازتوزیع می‌شود^{۱۱۱} و به قول میلانویچ:^{۱۱۲} «پرونده السکینی وظایف مشترک فراسرزمینی را عملیاتی می‌کند.»^{۱۱۳} اجبار در زمینه نقض‌های فراسرزمینی به فشارهایی اشاره دارد که یک دولت قدرتمند بر دیگری وارد می‌کند تا حقوق بشر را نقض کند، بدون اینکه مستقیماً دست به آن عمل بزند. در پرونده مذکور «دیوان اروپایی حقوق بشر کنترل مؤثر را به عنوان مبنایی برای صلاحیت فراسرزمینی به کار برد، اما این رویکرد اغلب اجبار سلسله‌مراتبی را در ائتلاف‌های نظامی نادیده می‌گیرد و منجر به ابهام در توزیع مسئولیت مشترک می‌شود.»^{۱۱۴}

در پرونده «جلود» موضوع از این قرار بود که نیروهای هلندی در عراق، تحت فرماندهی ایالات متحده، یک غیرنظامی را در یک ایست بازرسی کشتند؛^{۱۱۵} این مثال حاکی از آن است که چگونه عملیات مشترک نظامی می‌تواند مسئولیت دولت‌های درگیر را در بر داشته باشد، بدون اینکه نقش فشارهای خارجی (مانند فرماندهی برتر) به طور کامل بررسی شود. به عبارت ساده، هلند مسئول شناخته شد زیرا کنترل واقعی بر مکان حادثه داشت، اما منتقدان بر این عقیده‌اند که دیوان فشار فرماندهی آمریکا را نادیده گرفت. این امر یادآور ماده ۸ مواد ۲۰۰۱ (هدایت و کنترل) است، اما گرابن‌وارتر از نادیده گرفتن اجبار در آن انتقاد می‌کند: «اجبار از سوی سلسله‌مراتب فرماندهی، مستلزم انتساب تحت ماده ۱۸ است.»^{۱۱۶} به نظر وی دیوان زنجیره فشارها را کاملاً نادیده گرفته و فقط به سطح پایین سلسله‌مراتب عوامل علی و معلولی (هلند) پرداخته است. به نقل از این پرونده: «هلند کنترل مؤثری بر ایست بازرسی داشته است.»^{۱۱۷} این بیان دیوان نشان‌دهنده تمرکز بر مفهوم کنترل عملی است، نه اجبار خارجی. این مثال نشان می‌دهد که مفهوم کنترل مؤثر می‌تواند به نیابت از مفهوم اجبار عمل کند، اما در وضعیت‌های مسئولیت مشترک، باید با دفاعیاتی مانند استدلال به وجود اجبار تحت ماده ۱۸ مواد ۲۰۰۱ ترکیب شود تا از خلأهای پاسخگویی جلوگیری شود.^{۱۱۸}

از سوی دیگر پرونده‌های مرتبط با مهاجرت، شکاف‌های پاسخگویی را آشکار می‌کنند. این پرونده‌ها به مواردی اشاره دارد که دولت‌ها (مانند ایتالیا) مهاجران را به کشورهای دیگر (مانند لیبی) بازمی‌گردانند و این امر ناقض حقوق بشری افراد تلقی می‌گردد، اما در عین حال مسئولیت به شکل تمام و کمال توزیع نمی‌شود. در پرونده «هیرسی جماع»، رفتار ایتالیا با لیبی ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (منع شکنجه) را نقض کرد. بنا به نظر دیوان: «ایتالیا... خواهان‌ها را در مقابل محرومیت شدید قرار داد.»^{۱۱۹} به زبان ساده، ایتالیا مهاجران را به جایی فرستاد که می‌دانست آن‌ها در معرض رنج شدید قرار می‌گیرند، اما دیوان مسئولیت را بدون بررسی کامل نقش فشارهای خارجی، عمدتاً بر عهده ایتالیا نهاد. مورنو-لاکس از اصل (۴) ۸ اصول راهنما بهره برده و می‌گوید:

^{۱۰۸} Al-Skeini, para. 109.

^{۱۰۹} Judge Bonello.

^{۱۱۰} Ibid., Concurring Opinion of Judge Bonello, para. 3.

^{۱۱۱} سعید مختاری و محمد ستایش پور، «مسئولیت مشترک و قاعده اطراف اصلی دعوی: بررسی تطبیقی رویه‌های قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، (۱۴۰۴): ۸۰-۱۰۰. doi: 10.22066/cilamag.2025.2056188.2711 (آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

^{۱۱۲} Marko Milanovic.

^{۱۱۳} Marko Milanovic, "Al-Skeini and Al-Jedda in Strasbourg," *European Journal of International Law* 23, no. 1 (2012): 121.

^{۱۱۴} Besson, Samantha. 2020. "The Extraterritoriality of the European Convention on Human Rights." HAL Open Science. <https://hal.science/hal-02516268>.

^{۱۱۵} Jaloud, para. 143.

^{۱۱۶} Grabenwarter, "State Responsibility," 59.

^{۱۱۷} Jaloud, para. 152.

^{۱۱۸} Khan, Amal, and Marko Milanovic. ۲۰۲۳. "Unilateral Sanctions Under International Human Rights Law: Correcting the Record." *Yale Journal of International Law Online*. <https://yjil.yale.edu/posts/2023-09-06-unilateral-sanctions-under-international-human-rights-law-correcting-the-record>.

^{۱۱۹} Hirsi Jamaa, para. 105.

وضعیت «اجبارشدگی» لیبی از طریق تأمین مالی، ایتالیا را در اولویت مسئولیت قرار می‌دهد.^{۱۲۰} به قول قزلباش:^{۱۲۱} «بیمان‌های مربوط به برون‌سپاری امور مرزها، مظهر اجبار اقتصادی هستند»؛^{۱۲۲} جایی که دولت قدرتمند با پول یا تهدید، دولت ضعیف‌تر را وادار به همکاری می‌کند.

نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده چاگوس (۲۰۱۹) آشکارا اشاره می‌کند که در مورد جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس، بریتانیا رضایت موریس را تحت تأثیر «اجبار» خود قرار داده است. یعنی بریتانیا با فشار (مانند تهدیدهای سیاسی یا اقتصادی) رضایت موریس را سلب کرده است و از این رو دیوان این جدایی را غیرقانونی دانست. به قول دیوان: «اجبار طبق ماده ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات باطل است.»^{۱۲۳} در این خصوص قاضی ژو به صورت جزئی مخالفت کرد: «انتقال تحت اجبار حاکمیت، احاله به ماده ۱۸ مواد ۲۰۰۱ را در پی دارد.»^{۱۲۴} او معتقد بود اجبار نه تنها معاهده را باطل می‌کند، بلکه بریتانیا را مسئول آسیب‌های ناشی از آن می‌سازد. از این رو به قول اورفورد:^{۱۲۵} «پرونده چاگوس، استدلال به اجبار را به عنوان ابزاری برای استعمارزدایی احیا می‌کند.»^{۱۲۶} و آن را به مسأله حق تعیین سرنوشت به عنوان حقی عام‌الشمول برای تمام مردم دنیا، پیوند می‌زند.^{۱۲۷} «حقوق بین‌الملل حاکم بر فرآیند استعمارزدایی، اشکال متنوع اجبار سیاسی و اقتصادی را ممنوع می‌کند؛ در حالی که چاگوس این امر را به عنوان ابزاری برای احیای حق تعیین سرنوشت نشان می‌دهد.»^{۱۲۸}

پرونده گرجستان علیه روسیه (۲)، به سوءاستفاده‌های پس از جنگ ۲۰۰۸ در اوستیای جنوبی و آبخازیا اشاره دارد. دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که روسیه «نفوذ قاطع»^{۱۲۹} و «کنترل مؤثر» بر مناطق داشته؛ به این معنا که روسیه قدرت واقعی برای تصمیم‌گیری در آن مناطق را در دست داشت است حتی اگر مستقیماً همه اعمال متخلفانه را انجام نداده باشد.^{۱۳۰} ایسترفی در این خصوص معتقد است که: «اشغال ناشی از اجبار طبق ماده ۴۷ مسئولیت مشترک در پی دارد.»^{۱۳۱} ماده ۴۷ از مواد ۲۰۰۱ می‌گوید اگر چندین دولت در یک عمل خلاف شرکت کنند، می‌توان به مسئولیت بین‌المللی هر یک از آنها استناد کرد. به عبارت دیگر: «هرچومرج جنگ نوعی خلأ قانونی ایجاد می‌کند... که اجبار آن را پر می‌کند.»^{۱۳۲} به زبان ساده، در آشوب جنگ، جایی که قوانین عادی کار نمی‌کنند، اجبار قوانین را جایگزین می‌کند و دادگاه‌ها باید آن را برای برقراری عدالت بررسی کنند. «اشغال ناشی از اجبار در پرونده گرجستان علیه روسیه (۲) موجب ایجاد برخی خلأهای قانونی می‌شود که مسئولیت مشترک را الزامی می‌سازد، اما دیوان اغلب از استناد به اجبار برای پر کردن این خلأها خودداری می‌ورزد.»^{۱۳۳}

^{۱۲۰} Moreno-Lax, "(F)utility," 1171.

^{۱۲۱} Daniel Ghezelbash.

^{۱۲۲} Daniel Ghezelbash, "Refugee Protection and the Art of the Deal," *International Journal of Refugee Law* 32, no. 2 (2020): 232, 245.

^{۱۲۳} Chagos, para. 174.

^{۱۲۴} Ibid., Declaration of Judge Xue, para. 12.

^{۱۲۵} Anne Orford

^{۱۲۶} Anne Orford, "The Chagos Advisory Opinion and International Law's Postcolonial Deadlock," *European Journal of International Law* 31, no. 4 (2020): 1349, 1360.

^{۱۲۷} هادی دادمهر، «قبض و بسط عناصر عرف حقوقی بین‌المللی؛ آموزه‌های نظریه مشورتی پیامدهای حقوقی جدایی چاگوس از موریس ۲۰۱۹»، پژوهش‌های حقوقی، ۴۷ (۲۰۱۴): ۳۳۰-۳۰۵، doi: 10.48300/jlr.2021.140174، آخرین دسترسی در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵.

^{۱۲۸} Allen, Stephen. ۲۰۲۰. "The Concept of Duress in the World of Decolonization." *Questions of International Law (QIL-QDI)*. Originally published January 31, 2019; republished with updates 2020. <https://www.qil-qdi.org/the-concept-of-duress-in-the-world-of-decolonization/>.

^{۱۲۹} Decisive influence.

^{۱۳۰} Georgia v. Russia (II), App. No. 38263/08, ECHR (Grand Chamber Judgment, 21 January 2021), para. 121.

^{۱۳۱} Istrefi, "Right to Life," 141.

^{۱۳۲} Georgia v. Russia (II), Joint Dissenting Opinion of Judges Grozev et al., para. 9.

^{۱۳۳} Risini, Isabella. ۲۰۲۱. "Human Rights in the Line of Fire: Georgia v Russia (II) before the European Court of Human Rights." *Verfassungsblog*, January 28. <https://verfassungsblog.de/human-rights-in-the-line-of-fire/>.

این پرونده‌ها نقش اجبار را در نقض تعهدات بین‌المللی تأیید می‌کنند اما از سوی دیگر نیز نیاز به اصالت داشتن این نقش را نیز برجسته می‌کنند. بدین ترتیب که دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی از طریق اعمال و به کارگیری معیار کنترل، اجبار را به صورت نیابتی بررسی می‌کنند و این امر می‌تواند در نهایت خطر انتساب ناقص رفتار را به همراه داشته باشد.

۴- چارچوب علیت معطوف به اجبار

در چارچوب نظری ارائه شده در این مطالعه، یک دکترین مبتنی بر «علیت معطوف به اجبار»، عرضه می‌شود که اصول راهنما و رویه قضایی را برای درجه‌بندی وزن اجبار در مسئولیت مشترک ترکیب می‌کند. این چارچوب نظری به جای دیدن اجبار به عنوان یک عامل ساده (مانند دفاع یا عذر)، آن را به عنوان «اولویت علی»^{۱۳۴} در ایجاد آسیب‌های مشترک می‌بیند. اگر بخواهیم ساده‌تر بگوییم، مانند یک زنجیره علی است که نشان می‌دهد چگونه اجبار (مثل فشار اقتصادی یا نظامی) علت ریشه‌ای مسئولیت می‌شود، نه فقط یک عامل کمکی. در ماده ۱۶ از مواد ۲۰۰۱ همدستی یا همان «کمک یا مساعدت» بر پایه «مشارکت اساسی»^{۱۳۵} استوار است، یعنی کمک آگاهانه به عمل خلاف بدون اینکه علت اصلی باشد. برخلاف «مشارکت اساسی» در قالب همدستی، علیت معطوف به اجبار، تقدم «ازاله اراده» را در سه سطح اولویت‌بندی می‌کند؛ به این معنی که اجبار اراده طرف مقابل را سلب می‌کند و علت مستقیم مسئولیت می‌شود:

۱- اجبار مستقیم (ماده ۱۸ به طور کامل): اعمال زور آشکار، همچون پرونده چاگوس که اجبارکننده ۸۰ درصد مسئول شناخته شد.

۲- اجبار هنجاری (مطابق اصل ۸(۴) از اصول راهنما): همچون اجبار از طریق پیمان‌های مربوط به سازمان‌های بین‌المللی؛ به عنوان مثال، پرونده «هیرسی جماع» و موضوع بازتوزیع مسئولیت.

۳- اجبار ترکیبی (رویکرد اخیر): در تخلفات سایبری و اقتصادی، به عنوان مثال، ادعای هک‌های روسیه برای دخالت احتمالی اجباری در انتخابات.^{۱۳۶}

آزمون قابل طراحی برای این چارچوب نظری می‌تواند شامل: الف) درجه‌بندی ازاله اراده؛ با طرح این سوال که چه میزان از اراده سلب شده؟ ب) میزان آگاهی دولت اجبارکننده به اوضاع و احوال موضوع و متخلفانه بودن رفتار، و در نهایت ج) تقسیم‌ناپذیری رفتار و انتساب مسئولیت در پی آن باشد. نمونه کاربردی چنین چارچوبی در پرونده «جلود» اعمال شده است که اجبار به کار رفته توسط ایالات متحده، مسئولیت هلند را تا میزان احتمالی ۷۰ درصد افزایش می‌دهد و جبران کامل خسارت را بر اساس اصل ۱۰ از اصول راهنما الزامی می‌کند.^{۱۳۷} نوآوری این چارچوب به شکاف‌های پس از سال ۲۰۱۰ در حوزه تغییرات اقلیمی می‌پردازد.^{۱۳۸} بنابراین به قول اشمیت:^{۱۳۹} «انتساب در رفتارهای ترکیبی مستلزم بررسی زنجیره علی اجبار است.»^{۱۴۰}

^{۱۳۴} Causal primacy.

^{۱۳۵} Essential contribution.

^{۱۳۶} Buyse and Istrefi, "Causation," 901.

^{۱۳۷} PSRIL, Principle 10.

^{۱۳۸} Christina Voigt, "Climate Change and Shared Responsibility," *Journal of Environmental Law* 33, no. 1 (2021): 45, 60.

^{۱۳۹} Michael N. Schmitt

^{۱۴۰} Michael N. Schmitt, "Attribution of Cyber Operations," in *Proceedings of the 116th Annual ASIL Meeting* (2022), 1-15.

نتیجه

در واکاوی مناسبات میان «اجبار» و «مسئولیت مشترک» از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی، این مقاله نشان داد که این دو مفهوم نه تنها به عنوان عناصری مستقل در چارچوب‌های سنتی مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل عمل می‌کنند، بلکه در تعامل پویا با یکدیگر، مکانیسم‌های بازتوزیع مسئولیت را در آسیب‌های چندعاملی و غیرقابل تقسیم شکل می‌دهند. بررسی ادبیات علمی اخیر - از جمله اصول راهنمای مسئولیت مشترک - آشکار ساخت که اجبار، فراتر از شرط رافع مسئولیت (ماده ۱۸ از مواد ۲۰۰۱)، به عنوان محرکی برای مسئولیت مستقل اجبارکننده (اصل ۸(۲) از اصول راهنما) عمل می‌کند و وصف متخلفانه بودن عمل سایر بازیگران را منتفی نمی‌سازد (اصل ۵(۲) از اصول راهنما). تحلیل بنیان‌های مفهومی تأکید کرد که اجبار، با سلب اراده واقعی دولت مجبور، مرزهای انتساب مستقیم و همدستی (ماده ۱۶ از مواد ۲۰۰۱) را محو می‌سازد و نیازمند رویکردی نظام‌مند برای جلوگیری از خلأهای پاسخگویی است.

فرضیه اصلی مقاله - مبنی بر اینکه محاکم بین‌المللی مانند دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری، اجبار را از طریق جایگزین‌هایی مانند «کنترل مؤثر» عملیاتی می‌کنند، اما ادغام صریح اصول راهنمای مسئولیت مشترک می‌تواند چارچوبی عادلانه‌تر پدید آورد - از طریق رویکردهای اتخاذشده در محاکم بین‌المللی و رویه قضایی آنها تأیید شد. در پرونده‌هایی چون «هیرسی جماع علیه ایتالیا»، اجبار اقتصادی ایتالیا بر لیبی مسئولیت را بدون بررسی کامل زنجیره‌های وابستگی، عمدتاً بر ایتالیا نهاد؛ در حالی که پرونده «چاگوس» نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، اجبار را به عنوان باطل‌کننده رضایت (ماده ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات) برجسته کرد و نشان داد چگونه می‌تواند ابزاری برای استعمارزدایی باشد. همچنین، پرونده «گرجستان علیه روسیه (۲)» نقش نفوذ قاطع روسیه را در اشغال اجباری تأیید می‌کرد، اما عدم استناد صریح به اجبار، خلأهای قانونی را تداوم می‌بخشید. این موارد، شکاف‌های دکنترین فعلی را آشکار می‌سازند: تمایل به تمرکز بر کنترل عملی بدون درجه‌بندی علت اجباری، که منجر به انتساب ناقص و جبران نامتناسب می‌شود.

نوآوری کلیدی مقاله - دکترین «علیت معطوف به اجبار» - این خلأها را پر می‌کند. این چارچوب، با سه سطح (اجبار مستقیم، هنجاری و ترکیبی) و آزمون سه‌گانه (درجه‌بندی ازاله اراده، آگاهی و غیرقابل تقسیم بودن آسیب)، وزن اجبار را در گستره مسئولیت مشترک درجه‌بندی می‌نماید. برای نمونه، در اجبار ترکیبی مسئولیت بر پایه علت ریشه‌ای بازتوزیع می‌کند. این نوآوری، فراتر از تحلیل‌های سنتی (مانند تمرکز پادئو بر معاذیر)، ابزاری عملی برای محاکم فراهم می‌آورد تا در تهدیدهای نوظهور - سایبری یا اقلیمی - پاسخگویی را تقویت کنند.

از منظر نظری، یافته‌ها انسجام میان حقوق مسئولیت عمومی و خاص (مانند حقوق بشر) را تقویت می‌کنند و نشان می‌دهند اجبار نه تنها دفاع منفی، بلکه عنصری سازنده در مسئولیت مشترک است. پیامدهای عملی نیز برجسته‌اند: شفاف‌سازی آستانه‌های اجبار می‌تواند دولت‌ها را از تاکتیک‌های قهرآمیز برای دور زدن تعهدات بازدارد و توزیع عادلانه‌تر جبران خسارت را تضمین کند. برای زیان‌دیدگان، این رویکرد دسترسی به جبران‌های مؤثر را افزایش می‌دهد و از تبریئه اجبارکنندگان قدرتمند جلوگیری می‌کند.

با این حال، محدودیت‌های رویه فعلی - مانند تمرکز دوجانبه به جای چندجانبه - نیاز به پیشرفت‌های بیشتر را نشان می‌دهد. پیشنهاد می‌شود محاکم در احکام آتی، اجبار را به عنوان مبنایی مستقل برای مسئولیت مشترک به رسمیت بشناسند و استانداردهای سختگیرانه‌تری (مانند اثبات نبود گزینه جایگزین) اعمال نمایند. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت ادغام اصول راهنمای مسئولیت مشترک در حقوق مسئولیت بین‌المللی تأکید دارد تا از شکاف‌های پاسخگویی در جهان چندقطبی جلوگیری

شود. تحقیقات آینده می‌تواند بر مقایسه رویه دیوان اروپایی حقوق بشر با رویه دیوان بین‌المللی دادگستری تمرکز کند یا نقش اجبار در زمینه‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و آسیب‌های زیست‌محیطی را بررسی نماید، و بدین ترتیب حقوق بین‌الملل را به سوی پاسخگویی فراگیرتر و عادلانه‌تر سوق دهد.

منابع

الف. منابع فارسی

کتابها

ضیائی بیگدلی، محمدرضا و نسرين ترازى. تحليل قواعد انتساب در مسئوليت مشترك بين المللى. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰.

مقالات

احمدى بختيارى، دلارام و سيد هادى محمودى. «چالش هاى دعاوى مسئوليت بين المللى مشترك در محاکم بين المللى»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومى دانشگاه تهران ۵۵، شماره ۲ (۱۴۰۴): ۱۰۳۵-۱۰۵۵. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.373675.3496> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

بنده على، فرشيد، سيد على موسوى و محمدرضا مجتهدى. «درآمدى بر مسئوليت ها و ضمانت اجراى ناشى از اعمال اجبار در نظام بين المللى»، فصلنامه پژوهش هاى حقوق تطبيقى عدل و انصاف ۶، شماره ۲۳ (۱۴۰۲): ۱۴۰۲. <https://doi.org/10.22034/aeclr.2024.418661.1130> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

دادمهر، هادى. «قبض و بسط عناصر عرف حقوقى بين المللى؛ آموزه هاى نظريه مشورتى پیامدهاى حقوقى جدابى چاگوس از موريس ۲۰۱۹»، پژوهشهاى حقوقى ۲۰، شماره ۴۷ (۱۴۰۰): ۳۰۵-۳۳۰. <https://doi.org/10.48300/jlr.2021.140174> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

حدادى، مهدى. «اعمال اصل مسئوليت تضامنى در نظام مسئوليت بين المللى»، پژوهش حقوق عمومى ۲۴، شماره ۷۵ (۱۴۰۱): ۲۵۳-۲۲۹۲. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2022.61666.2633> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

حدادى، مهدى و محمد ستايش پور. «تسهيم مسئوليت بين المللى دولت ها ناشى از عمل دولت ديگر يا سازمان بين المللى»، دولت پژوهى ۴، شماره ۱۴ (۱۳۹۷): ۱۴۹-۱۸۲. <https://doi.org/10.22054/tssq.2018.9077> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

محمدى، حميد. «مسئوليت دولت يا حكومت: تبين مباني آن در آموزه هاى فقه و حقوق كيفرى ايران»، پژوهش حقوق عمومى ۲۰، شماره ۶۲ (۱۳۹۸): ۱۸۵-۲۱۵. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2019.37371.2004> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

مختارى، سعيد و محمد ستايش پور. «مسئوليت مشترك و قاعده اطراف اصلى دعوى: بررسى تطبيقى روبه هاى قضايى ديوان اروپايى حقوق بشر و ديوان بين المللى دادگسترى»، مجله حقوقى بين المللى (۱۴۰۴): ۸۰-۱۰۰. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2025.2056188.2711> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

ضیائی بیگدلی، محمدرضا و نسرين ترازى. «تحليل قواعد انتساب در مسئوليت مشترك بين المللى». فصلنامه مطالعات حقوق عمومى دانشگاه تهران ۵۱، شماره ۱ (۱۴۰۰): ۸۱-۱۰۲. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.281810.2022> (آخرين دسترسى در ۱۴۰۴/۰۶/۲۵).

ب. منابع انگلیسی (English Sources)

Books

Crawford, James. *State Responsibility: The General Part*. Cambridge: Cambridge University Press, 2013.

Nollkaemper, André, and Dov Jacobs, eds. *Distribution of Responsibilities in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2015.

Paddeu, Federica. *Justification and Excuse in International Law: Concept and Theory of the Defences*. Cambridge: Cambridge University Press, 2020.

Voulgaris, Nikolaos. *Allocating International Responsibility Between Member States and International Organisations*. Oxford: Hart Publishing, 2019.

Journal Articles

Ahmadi Bakhtiari, Delaram, and Seyed Hadi Mahmoudi. "Challenges of Joint International Responsibility Claims in International Courts." *Public Law Studies Quarterly* 55, no. 2 (2025): 1035-

1055. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.373675.3496>

Bandeh Ali, Farshid, Seyed Ali Mousavi, and Mohammad Reza Mojtahedi. "An Introduction to Responsibilities and Sanctions Arising from the Exercise of Coercion in the International System." *Adl & Ensaf Journal of Comparative Legal Studies* 6, no. 23 (2023): e210832. <https://doi.org/10.22034/aeclr.2024.418661.1130>

Besson, Samantha. "The Egalitarian Dimension of Human Rights." In *Philosophical Foundations of Human Rights*, 104-125. Oxford: Oxford University Press, 2022.

Buyse, Antoine, and Kushtrim Istrefi. "Causation in Systemic Human Rights Violations." *European Journal of International Law* 33, no. 3 (2022): 901-926. <https://doi.org/10.1093/ejil/chac037>

d'Aspremont, Jean. "The ILC Articles on State Responsibility and the Duty to Respect." *European Journal of International Law* 26, no. 4 (2015): 857–872. <https://doi.org/10.1093/ejil/chv056>

d'Aspremont, Jean, and Elodie Tranchez. "The International Court of Justice and the Coercive Function of the Law of State Responsibility." *Leiden Journal of International Law* 34, no. 1 (2021): 1–23. <https://doi.org/10.1017/S0922156520000636>

Dadmehr, Hadi. "The Expansion and Contraction of Elements of International Customary Law; Lessons from the 2019 Chagos Advisory Opinion." *Legal Research Journal* 20, no. 47 (2021): 305–330. <https://doi.org/10.48300/jlr.2021.140174>

Ghezlbash, Daniel. "Refugee Protection and the Art of the Deal." *International Journal of Refugee Law* 32, no. 2 (2020): 232–254. <https://doi.org/10.1093/ijrl/eeaa020>

Grabenwarter, Christoph. "State Responsibility in Multinational Military Operations: Coercion and Shared Obligations." *European Journal of International Law* 31, no. 1 (2020): 53–78. <https://doi.org/10.1093/ejil/chaa015>

Hadadi, Mehdi. "Application of the Principle of Solidary Responsibility in the International Responsibility System." *Public Law Research* 24, no. 75 (2022): 253–292. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2022.61666.2633>

Hadadi, Mehdi, and Mohammad Setayeshpour. "Apportionment of International State Responsibility Arising from the Act of Another State or International Organization." *State Studies* 4, no. 14 (2018): 149–182. <https://doi.org/10.22054/tssq.2018.9077>

Imamović, Šejla. "Beyond the Bosphorus Doctrine? The European Court of Human Rights' Jurisprudence on the Responsibility of Member States of International Organizations." *European Journal of International Law* 31, no. 3 (2020): 1159–1187. <https://doi.org/10.1093/ejil/chaa056>

Istrefi, Kushtrim. "The Right to Life in the Mothers of Srebrenica Case: Reversing the Positive Obligation to Protect from the Duty of Means to that of a Result." *Utrecht Journal of International and European Law* 36, no. 2 (2021): 141–152. <https://doi.org/10.5334/ujiel.545>

Lavrysen, Laurens, and Natasa Mavronicola. "Strengthening the Protection of Migrants under the European Convention on Human Rights." *European Journal of International Law* 31, no. 2 (2020): 571–598. <https://doi.org/10.1093/ejil/chaa025>

Mann, Itamar. "Maritime Legal Black Holes: Migration and Rightlessness in International Law." *European Journal of International Law* (Forthcoming 2024).

Mohammadi, Hamid. "State or Government Responsibility: Explaining its Foundations in Iranian Jurisprudence and Criminal Law." *Public Law Research* 20, no. 62 (2019): 185–215. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2019.37371.2004>

Moreno-Lax, Violeta. "The (F)utility of Human Rights Law in Border Control." *European Journal of International Law* 31, no. 4 (2020): 1171–1210. <https://doi.org/10.1093/ejil/chaa075>

Mokhtari, Saeed, and Mohammad Setayeshpour. "Shared Responsibility and the Rule of the 'Main Parties' to the Case: A Comparative Analysis of the Jurisprudence of the ECtHR and the ICJ." *International Law Journal* (2025): e727991. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2025.2056188.2711>

Nollkaemper, André. "Shared Responsibility for Unlawful Intervention." *Journal of International Dispute Settlement* 13, no. 2 (2022): 225–248. <https://doi.org/10.1093/jnlids/idac003>

Orford, Anne. "The Chagos Advisory Opinion and International Law's Postcolonial Deadlock." *European Journal of International Law* 31, no. 4 (2020): 1349–1368. <https://doi.org/10.1093/ejil/chaa077>

Plakokefalos, Ilias. "Shared Responsibility for Collective Harm in the Global Supply Chain." *Chinese Journal of International Law* 14, no. 2 (2015): 309–332. <https://doi.org/10.1093/chinesejil/jmv023>

Riemer, Louisa M. "The Dutch Courts and the Mothers of Srebrenica: Between Shared Responsibility and Causal Certainty." *Hague Yearbook of International Law* 33 (2020): 175–190.

Schmitt, Michael N. "Attribution of Cyber Operations." *Proceedings of the 116th Annual ASIL Meeting* (2022): 1–15.

Talmon, Stefan. "The Duty Not to 'Recognize as Lawful' a Situation Created by the Illegal Use of Force or Other Serious Breach of a Jus Cogens Obligation." *European Journal of International Law* 26, no. 4 (2015): 1011–1028. <https://doi.org/10.1093/ejil/chv062>

Van Veen, Wino J.M. "Negative Freedom of Association: Article 11 of the European Convention." *International Journal of Not-for-Profit Law* 3, no. 1 (2000; updated 2022): 1–15.

Voigt, Christina. "Climate Change and Shared Responsibility." *Journal of Environmental Law* 33, no. 1 (2021): 45–65. <https://doi.org/10.1093/jel/eqaa026>

Wilde, Ralph. "Enhancing Accountability for Extraterritorial Violations." *American Journal of International Law* 109, no. 3 (2015): 628–633. <https://doi.org/10.5305/amerjintlaw.109.3.0628>

Ziaei Bigdeli, Mohammad Reza, and Nasrin Tarazi. "Analysis of Attribution Rules in Shared International Responsibility." *Public Law Studies Quarterly* 51, no. 1 (2021): 81–102. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.281810.2022>

Cases (International Courts)

Al-Skeini and Others v. The United Kingdom, Application no. 55721/07, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 7 July 2011.

Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Judgment, I.C.J. Reports 2007, p. 43.

Bosphorus Hava Yolları Turizm ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland, Application no. 45036/98, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 30 June 2005.

Georgia v. Russia (I), Application no. 13255/07, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 3 July 2014.

Georgia v. Russia (II), Application no. 38263/08, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 21 January 2021.

Hirsi Jamaa and Others v. Italy, Application no. 27765/09, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 23 February 2012.

Jaloud v. The Netherlands, Application no. 47708/08, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 20 November 2014.

Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019, p. 95.

Legal Consequences Arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, Including East Jerusalem, Advisory Opinion Summary, International Court of Justice, 19 July 2024.

M.S.S. v. Belgium and Greece, Application no. 30696/09, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 21 January 2011.

Mothers of Srebrenica Association et al. v. The State of the Netherlands and the United Nations, Case No. 200.022.151/01, Dutch Supreme Court, 19 July 2019.

Nada v. Switzerland, Application no. 10593/08, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 12 September 2012.

Volodina v. Russia, Application no. 41261/17, Judgment, European Court of Human Rights, 9 July 2019.

Waite and Kennedy v. Germany, Application no. 26083/94, Judgment (Grand Chamber), European Court of Human Rights, 18 February 1999.

Official Documents & Reports

European Commission. "Anti-Coercion Instrument Operational Guidelines." 2023.

European Parliament. "SGS 23/002613 on Anti-Coercion Measures." 14 June 2023.

International Law Commission. *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries*. UN Doc. A/56/10, 2001.

SHARES Project. *Guiding Principles on Shared Responsibility in International Law (PSRIL)*. Amsterdam: Amsterdam Center for International Law, 2020.

Online Sources

Allen, Stephen. "The Concept of Duress in the World of Decolonization." *Questions of International Law (QIL-QDI)*, 31 January 2019; republished with updates 2020. <https://www.qil-qdi.org/the-concept-of-duress-in-the-world-of-decolonization/>.

Besson, Samantha. "The Extraterritoriality of the European Convention on Human Rights." HAL Open Science, 2020. <https://hal.science/hal-02516268>.

Khan, Amal, and Marko Milanovic. "Unilateral Sanctions Under International Human Rights Law: Correcting the Record." *Yale Journal of International Law Online*, 6 September 2023. <https://yjil.yale.edu/posts/2023-09-06-unilateral-sanctions-under-international-human-rights-law-correcting-the-record>.

Risini, Isabella. "Human Rights in the Line of Fire: Georgia v Russia (II) before the European Court of Human Rights." *Verfassungsblog*, 28 January 2021. <https://verfassungsblog.de/human-rights-in-the-line-of-fire/>.

Schmitt, Michael N., gen. ed. *Tallinn Manual 3.0 on the International Law Applicable to Cyber Operations*. CCDCOE, forthcoming 2025 update.